

دور با دور دنیا
۳۳

فرانسہ / ژان آنتوی
آنتیگون
ترجمہ / احمد پیرھیری



France
Antigone
Jean Anouih



نشری

آنتیگون طی سالها

«آیا این نوشته یک شاهکار ادبی است؟ تنها آینده می تواند به این پرسش پاسخ دهد... من فقط می دانم که هر بار آنتیگون به روی صحنه رفته است، پیرامون این اثر، به طرزی استثنایی، سکوت و هیجانی درگرفته است، سکوت و هیجانی که هنگام مواجهه با شاهکارها احساس می شود.»

موریس روستان^۱ (۱۹۴۴)

«... انتقادی که من بر آقای ژان آنوی وارد می دانم، پیش از هر چیز متوجه ذهنیت حاکم بر اثر ایشان [آنتیگون] است. من او را متهم می کنم که معنای درام را مغشوش کرده است، هیجانات درونی اهالی تب را تحریف کرده است و آشکارا هرآنچه را که طبیعت بزرگ می دارد،

1. Maurice Rostand

کوچک شمرده است... آقای ژان آنوی اخلاقیاتی مشکوک را ترویج می‌کند. من بسیار باحرارت از ایشان حرف می‌زنم، چون نوشته‌های آقای ژان آنوی مورد توجه اهالی تئاتر است.»

رولان پورنال^۱ (۱۹۴۴)

«ژان آنوی، با نوشتن آنتیگون، ثابت کرده است که می‌تواند به سطوح عالی مرتبه هنر دراماتیک دست یابد و نیز نشان داده است که می‌تواند به این فضای اضطراب و رازآلودی که نمایش‌نامه‌های او را دربرگرفته است، از طریق ابزارهایی سخت کلاسیک، و هنری بس بی‌پیرایه دست یابد.»

ژرژ پیلمان^۲ (۱۹۴۵)

«آنتیگون شاهکاری حقیقی است. مدت‌ها بود که محافل تئاتر فرانسه با نمایشی سراسر تراژیک تکان نخورده بود... آنتیگون سرگذشت تراژیک کسانی است که شجاعانه مرگ را می‌پذیرند و نیز کسانی که شجاعت خود را صرف فهم این معنی می‌کنند که چه زمانی زندگی اعتبار و امید خود را از دست داده است.»

ژان - پل بون^۳ (۱۹۴۶)

«... خوش‌مان بیاید یا نه، نمی‌توانیم اذعان نکنیم که این نمایش‌نامه، یکی از قوی‌ترین و گویاترین آثار تئاتر معاصر است.»

گابریل مارسل^۱ (۱۹۴۹)

«... سرانجام آن‌که، وقتی کل آثار آنوی را بررسی می‌کنیم و متوجه نقایص انسانی، فلسفی یا اجتماعی آن‌ها می‌شویم، با خود می‌گوییم که آن‌چه به‌واقع موثق، یگانه و بی‌همتا است، همین فریاد برآمده از اضطراب انسانی است که در کنار خودش و دیگران تنهاست و خرسند است که می‌تواند این تنهایی را با عبارات تئاتری برای دیگران واگوید، البته با نیرویی که به‌زعم من دست‌یابی بر آن دشوار می‌نماید.»

ژان مودویی^۲ (۱۹۴۹)

«... این تئاتر در ذات خود بر محور خودخواهی - که از سرشت نویسنده آن جدا نیست - و نیز به رسمیت نشناختن دیگری بنا شده است. به‌واقع در تمام نمایش‌نامه‌های آنوی، تنها یک شخصیت مهم تلقی می‌شود و هم او وظیفه دارد فلسفه و حقیقت مورد نظر نمایش‌نامه‌نویس را بیان کند.»

سرژ رادین^۳ (۱۹۵۰)

1. Gabriel Marcel
3. Serge Radine

2. Jean Mauduit

1. Roland Purnal
3. Jean-Paul Bonnes

2. Georges Pillement